



خودکشی شائول

the suicide of saul, Pieter Bruegel

نقاشی خودکشی شائول از پیتر بروگل، ۱۵۶۲.

شائول یا طالوت نخستین پادشاه پادشاهی متحد اسرائیل بود و بر اساس آنچه در کتاب اول سموئیل آمده، او در جنگ با فلسطینی‌ها برای اینکه دستگیر نشود خود را روی شمشیر انداخت و خودکشی کرد.

تلقی نمی‌شد و مرتکب آن گناهکار یا جنایتکار نیز نبود. بنابراین، نوشتن در مورد خودکشی در سنت غربی، از مصر اولیه تا کنون، بحث پیچیده‌ای دارد که در طول زمان و در زمینه‌های مختلف با بسیاری از نویسندگان مختلف راه‌های متفاوتی را طی کرده است. اما روندها و الگوهای بارز تکامل را می‌توان به وضوح در نگاه به این گذشته مشاهده کرد.

اما آنچه در غرب گذشته است به طور چشمگیری با دیدگاه‌های فرهنگی شرق متفاوت است. دسترسی به سوابق شفاهی بسیار مشکل‌سازتر از فرهنگ‌های ادبی جهان است. ارتباط با فرهنگ‌های شفاهی سنتی و شیوه‌های بومی مربوط به خودکشی و جهان بینی‌ها و نظام‌های اعتقادی‌ای که در آن‌ها گنجانده شده تا حد زیادی از فیلتر غربی‌ها عبور می‌کند، زیرا اسناد مکتوب که دیدگاه‌های فرهنگی شفاهی از آن‌ها استخراج می‌شود به لطف هجوم کاشفان، مبلغان، فاتحان و ماجراجویان به دست قوم‌شناسان رسیده است. به طور مثال باید در نظر داشت که نگرش‌های کاتولیک درباره گناه بودن خودکشی در دوران متأخر قرون وسطی توسط فاتحان اسپانیایی و مبلغانی که با آن‌ها سفر می‌کردند به مناطق مرکزی و جنوبی جهان جدید منتقل شد، در حالی که نگرش‌های پروتستانی، که با گناه تلقی کردن خودکشی از سوی کاتولیک هم‌مدل نبود، به آفریقا، هند، آمریکای شمالی و سایر مناطق استعمارشده توسط کشورهای پروتستان منتقل شد. نمی‌توان تصور کرد که دیدگاه‌های همه دوره‌ها و فرهنگ‌های

+

بررسی تاریخی

سابقه مناقشه غربی در مورد اخلاقیات خودکشی به حدود سه هزار سال پیش و دوره میانی اول مصر باستان برمی‌گردد. این مناقشه با گفت‌وگویی شخصی بین یک انسان و روح او آغاز می‌شود: مردی نامید که به خودکشی با آتش فکرمی کرد اما روحش از او می‌خواست که این کار را نکند، زیرا در این صورت روح خانه خود را از دست خواهد داد. نوشتن در مورد خودکشی نیز با متون اولیه عبرانیان آغاز می‌شود که تعدادی از خودکشی‌ها مانند خودکشی‌های شمشون، شائول و زره‌دار او را بدون هیچ اظهار نظر اخلاقی ثبت کرده‌اند. در فرهنگی متفاوت، یونانیان باستان طبقه‌بندی‌های متفاوتی از خودکشی‌های قابل قبول و غیرقابل قبول ایجاد کردند. رواقیون یونانی و رومی خودکشی را به عنوان عمل مرد خردمند امری جسته می‌دانستند، در حالی که کلیسای مسیحی از زمان آگوستین تا زمان آکویناس به طور فزاینده‌ای خودکشی را به عنوان گناه محکوم می‌کرد. برخی از نویسندگان روشنگری از خودکشی دفاع کردند، برخی از نویسندگان رمانتیک آن را تجلیل کردند و روایت‌های گوناگون مذهبی و سکولاری ارائه دادند. بحث تا زمان دورکیم و فرود در آغاز قرن بیستم به سرعت ادامه داشت، تا زمانی که نظریه‌های خودکشی با تلقی «امر اجتماعی» از آن دوره متفاوتی را رقم زدند. از این پس خودکشی ناشی از امر اجتماعی یا روانی بود و از این رو اشتباه اخلاقی